



## مبانی پیشگیری اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

لاله عاکفی<sup>۱</sup>، امیر ایروانیان<sup>۲</sup>، امیر پاک نهاد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

### چکیده

پیشگیری از جرم از راهبردهای سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه همواره مورد توجه است. اهمیت این راهبرد آن چنان است که پیشگیری از جرم در سطح مقررات فراتقنینی یعنی در قانون اساسی پیش بینی و به رسمیت شناخته شده است. ریشه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امثال آن ها باعث پیدایش معضل جرم هستند که شیوه پیشگیری اجتماعی به دنبال شناسایی و خنثی کردن آن هاست. این شیوه از بهترین و مؤثرترین شیوه هاست. زیرا مبارزه با علت همیشه بهتر و مؤثرتر از مبارزه با معلول است. پیشگیری اجتماعی از جرم راهبردی است که در جریان آن برنامه های پیشگیرانه توأم با به رسمیت شناختن حقوق بنیادین فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان اعمال می شود. تحقق پیشگیری اجتماعی اقتضائاتی دارد. تأمین حقوق اساسی همچون حق بر اشتغال، مسکن، تأمین اجتماعی، آموزش و ... از جمله این اقتضائات است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پیشگیری اجتماعی از جرم و زمینه های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می پردازد.

**واژگان کلیدی:** پیشگیری اجتماعی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جرم، پیشگیری جامعه مدار، پیشگیری رشدمدار.

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

۲- استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) (amir\_iravani@yaho.com).

۳- استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

## مقدمه

پیشگیری از بزهکاری از مهم ترین سازوکارهای سیاست جنایی است که با توسل به اقدام های غیر قهرآمیز درصدد کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی جرم زا و نیز گرایش به بزهکاری است (Wilson, 1998:12). در گستره حقوق ایران مؤسسان قانون اساسی در قالب اصول متعدد از یک سو از شماری از تدابیر و اقدام های پیشگیرانه سخن به میان آورده اند و از سوی دیگر پیش بینی ساختار و تشکیلات و چگونگی به اجرا درآمدن پیشگیری از جرم را به قانونگذار تکلیف کرده اند؛ یعنی برای حمایت از شهروندان در برابر بزهکاری و تأمین امنیت آنان جایگاه راهبرد پیشگیری از جرم را که در کاهش ناامنی نقش بنیادی ایفا می نماید، ارتقا داده و آن را فراتر از سطوح قوانین و مقررات عادی به رسمیت شناخته اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصول راهبردی در بخش های مختلف بهره جسته است. پیشگیری از جرم یکی از مقولاتی است که به صراحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه واقع شده است. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضاییه را اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین دانسته است. پیشگیری در مفهوم کیفری و غیرکیفری دارای انواع و مصادیق متنوعی است. پیشگیری کیفری از طریق بازدارندگی عام و خاص، ناتوان سازی، اصلاح و تربیت و ترمیم خسارات بزه دیده حاصل می شود. پیشگیری غیرکیفری که شامل دو نوع وضعی و اجتماعی است شامل طیف گسترده ای از تدابیر و اقدامات پیشگیرانه است.

پیشگیری اجتماعی گونه ای از تدابیر پیشگیرانه است که با مداخله فعالانه دولت (نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در محیط زندگی اجتماعی افراد و اهتمام به علل زیربنایی جرم و آسیب های اجتماعی، بستر زیستن توأم با کرامت شهروندان را از رهگذر پاسداشت حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان فراهم می آورد. به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی فعالیت هایی را دربر می گیرد که به منظور کاهش بیکاری، آموزش و پرورش ناکارآمد، فقر و آسیب های اجتماعی مشابه، علل بنیادین ایجاد رفتار مجرمانه را مورد توجه قرار می دهد (Lab, 2019:353). در نگاه جرم شناسان طرفدار پیشگیری اجتماعی، بزهکار شخصی است که قربانی کمبودهای ناشی از ویژگی های شخصی و شرایط اجتماعی-ساختاری است (Crawford, 2009:167). با عنایت به این تعریف پیشگیری اجتماعی به دو گونه پیشگیری رشدمدار و پیشگیری جامعه مدار تقسیم می شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۲۰۶).

در این مقاله به بررسی موضوع پیشگیری اجتماعی از جرم و زمینه های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می پردازیم. قانون اساسی به عنوان قانون مادر، دربردارنده ارکان و اصول اساسی هر نظام است. اصول و پایه هر سیاست

جنایی را باید در قانون اساسی آن کشور جستجو کرد. بنابراین اولین مجموعه قانونی که مشروعیت سیاست جنایی را باید بپذیرد، قانون اساسی است. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش هاست: (۱) با توجه به چه شیوه‌هایی تحقق پیشگیری اجتماعی (جامعه‌مدار و رشدمدار) امکان‌پذیر است؟ (۲) آیا در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از این شیوه‌ها سخنی به میان آمده است؟

مقاله حاضر در پی تبیین این نکته است که پیشگیری اجتماعی با تضمین حقوق بنیادین شهروندان و برقراری عدالت اجتماعی در عمل می‌تواند مهم‌ترین راهبرد در تحقق پیشگیری کرامت‌مدار از جرم باشد، زیرا از یک سو پیشگیری اجتماعی با تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود و از سوی دیگر مجموعه حقوق در چارچوب مفهوم حقوق بشر برای پاسداشت کرامت‌مندی انسان بوجود آمده‌اند.

## ۱. مبانی نظری

### ۱-۱. مفهوم پیشگیری از جرم

در لغت پیشگیری به معنای جلوگیری و دفع آمده است (معین، ۱۳۶۰: ۹۳۳). با توجه به معنای لغوی پیشگیری این واژه هم به معنای پیش‌دستی کردن و هم به معنای آگاه کردن و هشدار دادن است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). عده‌ای از جرم‌شناسان معتقدند که پیشگیری، هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف آن تهدید مرتکبان رفتارهای مجرمانه و تحدید ارتکاب جرایم از راه غیرممکن کردن، دشوار کردن و یا کاهش احتمال وقوع آن‌ها باشد، بدون اینکه به اعمال کیفر متوسل شویم (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

در تعریفی که توسط مرکز پیشگیری از جرم در استافورد انگلستان ارائه شده و توسط مرکز ملی پیشگیری از جرم ایالات متحده آمریکا مورد پذیرش قرار گرفته است، پیشگیری از جرم به نحو زیر تعریف شده است: پیشگیری از جرم، شامل راهبردها و تدابیری است که درصدد کاهش خطر وقوع جرایم و کاهش تأثیرات مضر بالقوه آن‌ها بر اشخاص و جامعه از طریق تحت تأثیر قرار دادن عوامل متعدد مؤثر در آن‌ها است (UNODC, 2010).<sup>۱</sup>

پیشگیری از وقوع جرم که مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با رفتار کجروانه و ناهنجاری‌های اجتماعی است، جایگاه والا و ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها دارد. پیشگیری از وقوع جرم طبق تعریف ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام عبارت است از: "پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن".

1-United Nations Office on Drugs and Crime.

پیشگیری از وقوع جرم ماهیت و شکل های مختلفی دارد. از یک سو تأثیرگذاری گونه های مختلف پیشگیری یکسان نیست. برخی از انواع پیشگیری (پیشگیری اجتماعی) زمینه و علل وقوع جرم را از میان می برد و برخی دیگر (پیشگیری وضعی) فرصت و امکان آن را کاهش می دهد یا دشوار می سازد (رایجیان، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

## ۲-۱. مفهوم پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت شناختی جرم است و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادین وقوع جرم می شود و بر این عقیده استوار است که جرایم در اثر نارسایی های اجتماعی به وقوع می پیوندند. پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (Crohn&Messi, 1980: 531). پیشگیری اجتماعی از جرم با دادن جایگاه اجتماعی به افراد و متعهد کردن آنان در جامعه تلاش می کند تا بر فعلیت یافتن استعداد های مجرمانه مانع ایجاد کند. هم چنین راهبردی است که به مشارکت اعضای جامعه در پیشگیری فعال از وقوع رفتار های مجرمانه و دیگر آسیب های اجتماعی اولویت می دهد و علت وقوع جرم را در ساختار های اجتماعی جستجو می کند (Hughes, 1998: 61).

پیشگیری اجتماعی با توجه به این انگاره که گونه های مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تأثیر گذار هستند بر استفاده از اقدام های غیر قهر آمیز محیط مدار به منظور زدودن یا کاهش تأثیر عوامل جرم زا تمرکز می کند. از این رو، اقدام های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن برای شهروندان، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش مؤثری در فرآیند شکل گیری شخصیت افراد ایفا می نمایند، در چارچوب این نوع پیشگیری جای می گیرند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۱).

در اسناد جهانی و منطقه ای الزام آور و ارشادگر نیز این دسته از اقدام ها به عنوان حقوق بنیادین افراد شمرده شده است که طبیعتاً دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست. برای نمونه می توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ اشاره کرد که شماری از مواد خصوصاً مواد ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ این حقوق را که دارای ابعاد پیشگیرانه است، شناسایی کرده اند.

## ۳-۱. ویژگی های پیشگیری اجتماعی

۱- پیشگیری اجتماعی مبتنی بر محیط انسانی پیرامون افراد است. این نوع از پیشگیری درصدد تأثیرگذاری بر شخصیت افراد و از بین بردن تمایلات مجرمانه و گرایش به جرم در آنهاست و در عین حال بر تقویت عوامل بازدارنده از جرم نیز تأکید می‌کند.

۲- پیشگیری اجتماعی برخلاف پیشگیری وضعی به دنبال تغییر در روح و روان انسان و نگرش و باورها و خواسته های آنان است تا بدین ترتیب انسان هایی جامعه پذیر و قانونمند تربیت نماید.

۳- در پیشگیری اجتماعی توجه به دو متغیر خیلی مهم است. متغیر اول، عوامل خطر اجتماعی و متغیر دوم، عوامل حمایتی اجتماعی است. پیشگیری از جرم حاصل بر هم زدن تعادل بین این دو دسته از عوامل در جهت غلبه عوامل حمایتی است.

۴- پیشگیری اجتماعی یک مفهوم بسیط نیست بلکه در درون خود عوامل مختلف فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، فردی و اجتماعی را به همراه دارد.

۵- موضوع پیشگیری اجتماعی هم فرد و هم جامعه است. یعنی بخشی از تدابیر پیشگیری اجتماعی فردمدار و برخی دیگر جامعه مدار هستند و برخی هم کارکرد دوگانه دارند. این امر ناشی از تأثیر و تأثر متقابل فرد و جامعه است.

## ۲. دیدگاه قانون اساسی در خصوص پیشگیری از جرم

قانون اساسی به عنوان قانون مادر، دربردارنده ارکان و اصول اساسی هر نظام است. اصول و پایه هر سیاست جنایی را باید در قانون اساسی آن کشور جستجو کرد. بنابراین اولین مجموعه قانونی که مشروعیت سیاست جنایی را باید بپذیرد قانون اساسی است (عالمی، ۱۳۷۵: ۴۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصول راهبردی در بخش های مختلف بهره جسته است، پیشگیری از جرم یکی از مقولاتی است که به صراحت در قانون اساسی مورد توجه واقع شده است. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضاییه را اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین دانسته است. اقدام های قوه قضاییه در زمینه بزهکاری در چارچوب اصل ۱۵۶ قانون اساسی و بویژه بندهای ۴ و ۵ این اصل قابل تبیین است.

خبرگان قانون اساسی در دو مورد پیشگیری از جرم را مورد توجه قرار داده اند. در مقدمه قانون اساسی در بحث قضا و دادگستری اشاره می‌کند به اینکه پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در جامعه اسلامی امر حیاتی است. همچنین اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مقام بیان وظایف قوه قضاییه

چنین مقرر می‌دارد: قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

با ملاحظه وظایف مذکور در این اصل می‌توان گفت مفاد اغلب بندهای این اصل وظایف اختصاصی قوه قضاییه را دربر دارد. لکن قانونگذار در کنار وظایفی چون رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و ... احیای حقوق عامه و گسترش عدل ... و کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و ... به موضوع گسترده پیشگیری از وقوع جرم نیز اشاره دارد. براساس بندهای ۴ و ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از یک سو پیشگیری کیفری از جرم یعنی پیشگیری از طریق تهدید به اعمال مجازات و از سوی دیگر پیشگیری غیر کیفری از جرم یعنی پیشگیری معمول در خارج از نظام کیفری پذیرفته شده است. بدیهی است که قسمت نخست بند ۵ شامل انواع پیشگیری از ارتکاب جرم برای اولین بار می‌شود و قسمت دوم ناظر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اصلاح محکومان زندانی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹ : ۴). به عبارتی بند ۴ بیانگر پیشگیری کیفری است زیرا ناظر به اجرای مجازات‌ها و عدالت کیفری است و قسمت اول بند ۵ متضمن پیشگیری غیر کیفری است. محتوای این بند از ۲ قسمت تشکیل شده است: پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، پیشگیری از جرم، عام است اما اصلاح مجرمین، خاص. بنابراین مراد از پیشگیری مذکور در این بند، پیشگیری جرم شناختی یعنی در مرحله قبل از وقوع جرم است اما اصلاح مجرمین مترادف با پیشگیری از تکرار جرم است و نسبت به مجرمین در حال تحمل محکومیت که در اختیار دستگاه عدالت کیفری قرار دارند، اعمال می‌شود.

با این توضیحات قوه قضاییه در خصوص بند ۵ اصل ۱۵۶ باید به این نحو عمل کند: در خصوص قسمت دوم بند ۵ یعنی اصلاح مجرمین، قوه قضاییه به اعتبار اینکه مدیریت سازمان زندان‌ها را در اختیار دارد، اصلاح مجرمین را برعهده خواهد داشت (یعنی پیشگیری از تکرار جرم برعهده قوه قضاییه است). اما در مورد قسمت اول بند ۵ یعنی پیشگیری از

وقوع جرم (که به معنای پیشگیری غیر کیفری و مشتمل بر پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی می باشد) قوه قضاییه نمی تواند به تنهایی مجری آن باشد.

### ۳. کرامت مدار بودن پیشگیری از جرم

قانون اساسی به عنوان عالی ترین سند حقوقی-سیاسی در هر جامعه سیاسی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. این قانون ساختار و شکل حکومت، انواع نهادهای سیاسی و حقوق و آزادی های اساسی شهروندان را مشخص کرده، روابط متعادل دولتمردان و فرمانبرداران و همچنین وظایف و تکالیف آنان را تعیین می کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

یکی از موضوعات بسیار مهم که در مورد امنیت، عدالت، آزادی و رعایت حقوق و آزادی های اساسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته، کرامت انسانی است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که خود، پایه و اساس بسیاری از حقوق و تکالیف انسانی شناخته می شود و همان گونه که در اعلامیه ها و کنوانسیون های مختلف بین المللی به آن اشاره شده، امروزه کرامت انسانی نه صرفاً به عنوان یک حق یا مجموعه ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می شود و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه مستلزم رعایت آن است.

پیشگیری از جرم در کنار سرکوبی بزهکاری یکی از مهم ترین سازوکارهای تأمین امنیت به شمار می رود. راهبرد پیشگیری، زمینه کاهش میزان بزهکاری را که از مظاهر ناامنی است فراهم می سازد. به هر رو، در سایه امنیت روزانه است که شهروندان می توانند از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی برخوردار شوند. در این چارچوب است که دولت های قانون مدار از نظام های پیشگیری و کیفری برای ایجاد امنیت استفاده می کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱). به این سان پیشگیری از جرم از منظر حقوق بشری به این جهت که اسباب دسترسی به شهروندان به یکی از جلوه های حقوق بشر یعنی "حق بر امنیت" را پدید می آورد، دارای اهمیت است. علاوه بر این شماری از سازوکارهای پیشگیری از جرم در قالب یکی از مصادیق حقوق بشر می گنجد که اهمیت این راهبرد از این حیث را بیشتر کرده است، زیرا به واسطه آن ها امکان دستیابی به حقوق بشر نیز فراهم می شود.

از همین روست که رعایت کرامت انسان ها هنگام اجرای شیوه های آن اهمیت دار می شود و در تعدادی از اسناد بین المللی مانند میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ در مواد ۱ و ۵، منزلت انسانی به عنوان ارزش بنیادی شناسایی شده است. بنابراین در هنگام اجرای روش های پیشگیری از جرم باید کرامت انسان ها در نظر گرفته شود. براین اساس، پیشگیری از جرم را نباید به هر شکل و بدون در نظر گرفتن معیارهای حقوق بشری به اجرا درآورد.

نویسندگان قانون اساسی با شناسایی موازین حقوق بشری مربوط به این راهبرد، "اصل کرامت مدار بودن پیشگیری از جرم" را به رسمیت شناخته اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از کرامت ذاتی انسان و احترام به آن مقررات مختلفی را پیش بینی کرده است: به موجب بند ۶ اصل دوم نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به "کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا" استوار است. بر این اساس در همه عرصه ها از جمله در سراسر فرآیند پیشگیری از جرم باید ملاحظات حقوق بشری و کرامت انسان ها را در نظر داشت. خبرگان قانون اساسی این اصل را به طور ضمنی و در قالب اصول ۲۲ و ۲۵ شناسایی نموده اند. مطابق اصل ۲۲: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند." در اصل ۲۵ نیز چنین مقرر شده است: "بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون."

پیشگیری اجتماعی مبتنی بر این است که انسان باید در جایگاه انسانیت خود بماند و تنزل پیدا نکند. این شیوه به سراغ ریشه های بزهکاری می رود و در تلاش است تا کرامت انسانی افراد جامعه را تقویت نماید و ذهن و فکر مجرمانه را از آنان بزداید، کرامتی که خداوند در وجود انسان به ودیعه گذاشته و جرم، کجروی و نافرمانی از قوانین الهی آن را به نابودی می کشاند.

#### ۴. گونه های پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی از جرم براساس نگرش نوینی که نسبت به آن وجود دارد به دو گونه پیشگیری اجتماعی رشد مدار و پیشگیری اجتماعی جامعه مدار تقسیم می شود.

##### ۴-۱. پیشگیری جامعه مدار

رایج ترین شکل پیشگیری را می توان پیشگیری جامعه مدار معرفی کرد که شامل اقدام های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده و نسبت به محیطی که فرد در آنجا زندگی می کند، اعمال می شود. به عبارت دیگر تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مانند فقر، بیکاری، فقدان مسکن و بی سوادی محتوای این نوع پیشگیری را تشکیل می دهد (کاری، یو، ۱۳۸۱: ۲۷۷). به این ترتیب پیشگیری جامعه مدار با توجه به این انگاره که گونه های مختلف محیط بر نظام رفتاری افراد تأثیر گذار هستند، بر استفاده از اقدام های غیر قهر آمیز محیط مدار به منظور زدودن یا کاهش تأثیر عوامل جرم زا تمرکز می کند. از این رو اقدام های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن برای شهروندان و ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش مؤثری در فرآیند شکل گیری شخصیت افراد ایفا می نمایند، در چارچوب این نوع پیشگیری جای می گیرند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۱).



در همین راستا تعدادی از مصادیق پیشگیری جامعه مدار در اصول قانون اساسی شناسایی شده است. به این سان خبرگان قانون اساسی با به رسمیت شناختن جلوه های این نوع پیشگیری در پهنه قانون اساسی به تدابیر پیشگیری جامعه مدار، اعتبار بنیادی داده اند تا ضابطه مند کردن این تدابیر به قانونگذار واگذار شود. تأکید بر اهمیت خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه (اصل ۱۰)، حمایت از مادران در نگهداری و تربیت فرزندان (اصل ۲۱)، فراهم کردن فرصت های شغلی (اصل ۲۸)، تأکید بر فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه (اصل ۳۰)، تأمین مسکن متناسب با نیاز افراد (اصل ۳۱)، تنظیم اقتصاد ایران به گونه ای که نیازهای اساسی انسان در جریان رشد (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده و اشتغال) تأمین شود (اصل ۴۳).

به این ترتیب شماری از سازوکارهای این نوع پیشگیری از جمله بسترسازی برای آموزش و پرورش و توسعه آن یا فراهم ساختن زمینه های مناسب جهت اشتغالزایی یا فقرزدایی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی به عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته اند.

#### ۱-۱-۴. تدابیر فرهنگی

تدابیر فرهنگی عبارت است از مجموعه پیچیده ای از ارزش ها، عقاید، هنر، آداب و رسوم و هر رفتار دیگری که به عنوان میراث مشخص حاکم بر روابط فردی و اجتماعی جامعه است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۶). فرهنگ هر جامعه، بنیان نظام اجتماعی و نظام روانی آن جامعه است. از این رو فرهنگ در شکل گیری ساختارها و نهادهای اجتماعی، شخصیت افراد و حتی رفتار آنان نقش بسزایی دارد. محیط خانواده، نخستین محیطی است که زمینه اجتماعی شدن فرد را فراهم می کند و نقش بنیادی در پروراندن شخصیت افراد و متمایل ساختن آنان به پیروی از ارزش های اساسی اجتماعی ایفا می کند، لذا از برجسته ترین سازوکارهای پیشگیرانه است (نوربها، ۱۳۸۶: ۱۸۰). به همین دلیل اگر خانواده به نحو مؤثری به تربیت فرزندان همت گمارد، موجبی برای بزهکاری آنان در آینده باقی نمی گذارد. تحقیقات متعددی نیز نشان می دهد والدین خودکامه و کسانی که فاقد هماهنگی در تربیت فرزندان خود هستند، باعث افزایش احتمال بزهکاری آنان در آینده می شوند (اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۴۵). برنامه های خانواده مدار زیادی به منظور پیشگیری زودهنگام از بزهکاری کودکان و نوجوانان طراحی شده و به عنوان و نام های گوناگون تقسیم بندی شده است، مؤثرترین این برنامه ها عبارتند از: ملاقات های خانگی وقتی طفل در سنین پایین است، برنامه های تربیتی در مرحله آمادگی (پیش از مدرسه) و آموزش والدین (برادل، ۱۳۹۴: ۷۶).

در مقدمه قانون اساسی و زیر عنوان زن در قانون اساسی، خانواده... واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان... معرفی شده است. همچنین به موجب اصل دهم بر این نکته تأکید شده است: "از آنجا که خانواده واحد بنیادی

جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد". این سیاست نشان دهنده توجه خبرگان به نقش محوری محیط خانواده در چگونگی جامعه پذیر شدن افراد است. در پرتو قانون مذکور، ظرفیت نهاد خانواده در جامعه پذیر سازی افراد یعنی پیروی از بایدها و نبایدهای اجتماعی کیفی که در حوزه پیشگیری جامعه مدار، نقش بنیادی ایفا می نماید، جنبه اساسی پیدا کرده است.

بعد از خانواده، مدرسه دومین محیطی است که در شکل دهی شخصیت دانش آموزان نقش بسزایی دارد و بخشی از سرنوشت و آینده دانش آموزان در مدرسه رقم می خورد. زیرا اطفال در این عرصه، علاوه بر سوادآموزی، با هنجارهای بنیادی جامعه آشنا می شوند و چگونگی برخورد با مناسبت های اجتماعی را فرا می گیرند (Siegel, 2011: 200). برنامه های مبتنی بر مدرسه متمرکز بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت های اجتماعی و مهارت هایی درخصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و ایجاد کلاس هایی برای والدین به منظور آموزش آنها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان می باشند. در اهمیت نقش پیشگیری در آموزش و پرورش می توان به ماده ۵ آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۷۶/۸/۱۷ اشاره کرد که در آن وزارت آموزش و پرورش مکلف است تدابیری را برای پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان و شناسایی کودکان در معرض خطر فراهم آورد. نهایتاً اینکه نهاد آموزش و پرورش نهاد رسمی است که در جامعه وظیفه آموزش فرهنگ، دانش و فنون را به عهده دارد و از این رو مهم ترین تلاش برای از بین بردن فاصله فاحش طبقاتی در جامعه، تعمیم آموزش و پرورش برای تک تک افراد است.

خبرگان قانون اساسی در بند ۳ اصل سوم "آموزش و پرورش رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی" را در شمار وظایف بنیادین دولت گنجانده اند. در همین راستا در اصل ۳۰ این قانون مقرر شده است: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد". به این سان مؤسسان قانون اساسی با در نظر داشتن این نکته که آموزش و پرورش زمینه ای مناسب برای آموزش آموزه های علمی و فراگیری هنجارهای بنیادی اجتماعی فراهم می سازد، آن را در شمار حقوق بنیادی ملت قرار داده اند. این ابتکار، به آموزش و پرورش که علاوه بر داشتن جنبه حقوق بشری، کارکردی پیشگیرانه نیز دارد، اعتبار اساسی داده است تا به این واسطه سیاست های عادی و برنامه ها در بستر آموزش و پرورش برای درست تربیت شدن افراد و هنجارمند سازی آنان فراهم شود.

پیشگیری جامعه مدار در کنار محیط خانواده و مدرسه، به ظرفیت های اوقات فراغت نیز برای کاهش گرایش افراد به سمت بزهکاری توجه نشان می دهد. ایجاد امکانات مناسب برای اوقات فراغت شهروندان بخصوص کودکان و نوجوانان می تواند سهم بسزایی در پروراندن درست شخصیت آنان ایفا کند. به همین جهت مطابق بند ۳ اصل سوم: " ... تربیت بدنی رایگان... " برای همه شهروندان به عنوان یکی از اصلی ترین تکالیف دولت پیش بینی شده است تا اوقات فراغت افراد در راستای رشد نظام مند رفتار آنان ساماندهی شود.

## ۲-۱-۴. تدابیر اقتصادی

در عرصه پیشگیری جامعه مدار، بهبود وضعیت مالی-اقتصادی نیز در کاهش تمایل شهروندان به ارتکاب جرم تأثیرگذار است. شماری از افراد، تحت تأثیر ناتوانی مالی-اقتصادی ناشی از بیکاری، فقر و نداشتن مسکن به بزهکاری و انحرافات اجتماعی رو می آورند. در این زمینه اسناد بین المللی حقوق بشر با مدنظر قرار دادن این موارد، دولت ها را مکلف به حمایت از خانواده کرده اند. در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: " خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود ". از این رو در ماده ۱۱ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۸۶ سازمان ملل مقرر شده است: " کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را برای داشتن سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن مناسب و همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می شناسند ". همچنین ماده ۲۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل، خانواده را رکن اساسی جامعه تلقی کرده و حمایت از آن را به دولت ها تکلیف می کند.

نویسندگان قانون اساسی با توجه به نقش بنیادی اقدام های اقتصادی و اجتماعی در کاهش میزان بزهکاری، شماری از اصول این قانون را به این دسته اقدام ها اختصاص داده اند. بند ۱۲ اصل سوم در واقع به دنبال " پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه " بوده و آن را به عنوان وظیفه راهبردی دولت پیش بینی کرده است. بدیهی است این تکلیف دولت در زمینه فقرزدایی و بنیان گذاری رفاه اقتصادی می تواند در کاهش تأثیر ناتوانی مالی-اقتصادی بر بزهکاری افراد نقش آفرین باشد.

در فصل مربوط به حقوق ملت، اصول مترقی متعددی مانند حمایت از مادران و ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست (اصل ۲۱) و برقراری تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، مشاهده می شود.

البته توجه خبرگان قانون اساسی به سازوکارهای مالی-اقتصادی پیشگیری از جرم به این اصول محدود نمی شود بلکه در دو اصل دیگر به طور خاص به دو مؤلفه بسیار مهم در این زمینه اشاره شده است. براساس اصل ۲۸: " هر کس

حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. "همچنین مطابق اصل ۳۱: "داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند."

به این سان با برطرف ساختن نیازهای مالی و اقتصادی شهروندان و توانمندسازی آنان می توان از بزهکاری پیشگیری کرد. در این چارچوب، پیشگیری جامعه مدار با از بین بردن یا کاهش ناتوانی های مالی و اقتصادی از مهم ترین سازوکارها برای گرایش نیافتن افراد به بزهکاری است که از سوی خبرگان به عنوان هنجار اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

بخش مهمی از تدابیر پیشگیرانه به قشر وسیعی از افراد جامعه که همانا اطفال و نوجوانان هستند، اختصاص می یابد؛ تدابیری که از آن به پیشگیری رشدمدار یاد شده است. در واقع هدف این پیشگیری مداخله در فرآیند جامعه پذیری افراد است تا از ضدا اجتماعی شدن افرادی که در شرایط بحرانی به سر می برند، جلوگیری کند.

## ۲-۴. پیشگیری رشدمدار

پیشگیری رشدمدار شامل مجموعه تدابیر روان شناسانه-اجتماعی است که به منظور تقویت فرآیند جامعه پذیری کودکان و کاهش احتمال پایداری بزهکاری در کودکان معضل دار به کار گرفته می شود. این گونه پیشگیری درصدد پروراندن درست شخصیت کودکان مشکل دار است و در این راستا بر اقدام های روان شناسانه و اجتماعی- حمایتی خانواده مدار، مدرسه مدار و اجتماع مدار تمرکز می کند(هوارد، ۱۳۸۳: ۱۳۶). سازمان ملل متحد پیشگیری موفقیت آمیز از بزهکاری نوجوانان را مستلزم توجه به رشد شخصیت کودکان و نوجوانان از اوایل کودکی می داند(بندهای ۲و۴ اصول اساسی رهنمودهای ریاض).

پیشگیری رشدمدار به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس در پایداری افراد از بزهکاری جلوگیری کند. پیشگیری اجتماعی رشدمدار می کوشد با بکارگیری اقدامات روان شناختی-اجتماعی زودهنگام از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد جلوگیری کند. این اقدامات باید پیش از بروز، جلوی عوامل خطری را که کودکان در معرض آن هستند بگیرد. برنامه های پیشگیری رشدمدار مبتنی بر خانواده، عوامل خطر بزهکاری و انحرافات آینده کودک که با خانواده همخوانی دارد را هدف قرار می دهد و پیش بینی

رفتارهای مشکل دار آنها را برای والدین ممکن می کند (والش و بیور، ۱۳۹۶: ۷۶). یافته های ناشی از مداخلات خانواده مدار برای پیشگیری از اختلال های رفتاری و بزهکاری از رهگذر بهبود رشد جسمانی، فکری، عاطفی کودکان، کاهش کودک آزاری و بهبود عملکرد خانواده طرح ریزی شده اند (گراهام، ۱۳۸۳: ۳۱۲). به علاوه از جمله عوامل حمایت کننده با رویکرد خانواده محور می توان به ملاقات خانوادگی، مراقبت های روزانه یا برنامه های پیش دبستانی، برنامه های آموزش والدین و خانواده درمانی و غیره اشاره نمود.

با توجه به آنچه مطرح شد در وهله نخست ایجاد محیط مطلوب در منزل برای اطفال نقش اساسی در پیشگیری از بزهکاری ایفا می کند. مطابق ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک، مسئولیت مشترک رشد و تربیت کودک به والدین سپرده شده است. واقعیت آن است که برخورد خشونت آمیز والدین می تواند سبب بروز اختلالات رفتاری در طفل شود (دانش، ۱۳۷۴: ۲۹۶).

در ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک اعلام شده که کشورهای عضو در راستای پیشبرد حقوق کودک باید همکاری لازم را با والدین در اجرای وظایفشان برای تربیت کودک به عمل آورند، به این معنا که با شناسایی خانواده هایی که رابطه عاطفی با اطفال خود ندارند و شیوه های صحیح تربیتی را نیز در مورد آنان اعمال نمی کنند، با ارائه مشاوره های متعدد، والدین را با اصول صحیح تربیتی و برقراری رابطه عاطفی با طفل آشنا کنند و با ایجاد فضای مساعد تربیتی، مانع از بزهکاری اطفال شوند.

در وهله دوم آنچه در پیشگیری رشد مدار اهمیت دارد، نقش مدرسه است. آنچه در مدرسه آموزش داده می شود مانند چگونگی انتقال مطالب به دانش آموزان، نحوه برخورد با آنان، تعامل خانواده با مدرسه و توجه به کودکان مدرسه گریز و جامانده از تحصیل، می تواند در ارتقای مهارت های اجتماعی کودکان اثرگذار باشد (خواجه نوری و لکی، ۱۳۹۵: ۷۸۸). در ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک آمده است: توسعه و تقویت استعدادها و توانایی های ذهنی و جسمی اطفال از اهداف آموزش و پرورش است و مدرسه باید به گونه ای باشد که علاوه بر محقق کردن این هدف، کودک را برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه آماده سازد.

در همین زمینه در ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مقرر شده که کشورهای عضو، ضمن پذیرش حق برخورداری هر کس از آموزش و پرورش با هدف رشد کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت او و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی متعهد می شوند که به منظور استیفای این حقوق، آموزش و پرورش ابتدایی را به طور اجباری و رایگان در دسترس همه قرار دهند.

علاوه بر آنچه مطرح شد، حق برخورداری از اوقات فراغت و سامان دهی آن در جهت جامعه پذیری افراد در اسناد حقوق بشری به مثابه تکلیفی برای دولت مورد توجه قرار گرفته است. حق استراحت، تفریح و فراغت در ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر در نظر گرفته شده است. ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز حق هر کس از جمله اطفال را برای برخورداری از اوقات فراغت به رسمیت شناخته است. در ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز حق برخورداری کودک از تفریح، آرامش، بازی و فعالیت های هنری متناسب با وضعیت آن مدنظر قرار گرفته است. در اصول ۳۳ و ۳۹ از اصول راهبردی ریاض مانند اسناد سابق الذکر، ایجاد گسترش مراکز توسعه اجتماعی و تسهیلات تفریحی خاص برای کودکان پیش بینی شده است. به این ترتیب ملاحظه می شود، جلوه های پیشگیری رشدمدار که در خانواده و مدرسه متبلور می شود، در اسناد بین المللی حقوق بشر پنهان نمانده است و نهادهای مسئول در این زمینه مکلف شده اند اقدامات بنیادی در این حوزه اتخاذ کنند.

حقوق اطفال و نوجوانان در اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال بند ۳ اصل سوم از آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه افراد در تمام سطوح نام برده است. آنچه در مقرر مزبور آمده در اصل ۳۰ در زمینه فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه مجدداً تکرار شده است. در بند ۲ اصل ۲۱ نیز حمایت از کودکان بی سرپرست مورد توجه قرار گرفته است. از دیگر اصول راهبردی اصل ۴۳ است که به تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه که بی تردید اطلاق این اصل اطفال و نوجوانان را نیز در بر می گیرد و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری، اشاره شده است.

## ۵. کنگره های پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد

جرم و وسایل پیشگیری از آن از مسائلی است که کمی بعد از تشکیل سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵ در دستور کار آن سازمان قرار گرفت. کمیسیون موقت اجتماعی سازمان ملل این نظر را پذیرفت که پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در تاروپود جامعه تأثیر دارد و به همین جهت یکی از موضوعاتی است که باید در چارچوب سیاست اجتماعی قرار گرفته و مطالعه شود (عالمی، ۱۳۷۵: ۸۸).

در این راستا سازمان ملل وظایف و مأموریت هایی را بر عهده کمیسیون و بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری گذارده است. این کمیسیون در زمینه سیاست جنایی پیشگیری از جرم، رهبری و تعیین سیاست کلی را بر عهده دارد. بخش پیشگیری از جرم و عدالت کیفری هیأتی از دبیرخانه سازمان ملل متحد است که اجرای فعالیت های این سازمان و هماهنگ کردن فعالیت های آن در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را بر عهده دارد.

این نهادها به ارائه برنامه هایی در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می پردازند و وظیفه اصلی را در این زمینه برعهده دارند. کنگره های سازمان ملل متحد، نمایندگان دولت ها، متخصصین عدالت کیفری، دانشمندان مشهور بین المللی و اعضای سازمان های غیردولتی مرتبط را برای بحث پیرامون مشکلات رایج، تجارب و جستجوی راه حل های مناسب برای مهار جرم دور هم جمع می کند. کنگره های سازمان ملل متحد مجمعی جهانی است برای مبادله اطلاعات و تجارب، مقایسه روش های سیاست جنایی، یافتن راه حل هایی پایدار برای مسأله بزهکاری و تشویق فعالیت های بین المللی در این زمینه.

یکی از قلمروهای فعالیت و برنامه های تخصصی-فنی در حقوق بین الملل، سیاست جنایی سازمان ملل متحد است یعنی سیاست گذاری در زمینه مبارزه با بزهکاری، پیشگیری عام از بزهکاری، پیشگیری خاص از بزهکاری (اصلاح مجرمین)، پیشگیری وضعی از جرائم، اداره علمی و سنجیده مؤسسات زندان و حمایت از حقوق و منافع بزه دیدگان و غیره که به عنوان استراتژی مطلوب سازمان ملل متحد نام دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵: ۲۹۲).

## ۶. ویژگی های کنگره های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین

عنوان این کنگره ها دقیقا در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی کشور ما که در بیان وظایف قوه قضاییه است منعکس شده و می توان گفت این وظیفه قوه قضاییه ترجمه ای از عنوان کنگره های پنج سالانه سازمان ملل است. کنگره های سازمان ملل درباره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین چند ویژگی اساسی دارد. از جمله اینکه هدف این بوده است که یک دیدگاه جهانی درباره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری بوجود آید. جهانی کردن صلاحیت محاکم کیفری کشورها و جدا کردن صلاحیت قضایی از صلاحیت قانونی، هدف دیگر سیاست جنایی بین المللی است که از طریق کنگره ها توصیه می شود.

با دقت در عنوان کنگره های پنج سالانه سازمان ملل یعنی پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین ملاحظه می شود که پیشگیری از وقوع جرم قبل از اصلاح مجرمین آمده است که منعکس کننده اولویت خاص پیشگیری در این سازمان می باشد و لذا اهمیت یافتن این شاخه از جرم شناسی از همان ابتدای تأسیس سازمان ملل مورد توجه جامعه جهانی بوده است به گونه ای که علم جرم شناسی پیشگیرانه با قدمتی ۵۰ ساله دارای چنان اصول و قواعدی می گردد که ناشی از اعتبار و منزلت راهکارهای صاحب نظران در ارتباط با معضلات جوامع بشری است و این امر به نوبه خود سبب هماهنگی و نزدیک شدن سیاست جنایی دولت ها و در نتیجه بهبود کارآیی استراتژی آن ها در مهار بزهکاری خواهد شد.

راهکارها و رهنمودهایی که در کنترل و پیشگیری از جرم توسط کنگره های پنج سالانه بیان می شود، قلمرو وسیعی دارند زیرا در این استراتژی انواع پیشگیری از جرم را می توان یافت و به عبارتی پیشگیری از جرم در سازمان ملل ناظر به انواع پیشگیری در معنای علمی آن می باشد و به نظر می رسد پیشگیری اجتماعی از دامنه وسیع تری در این کنگره ها برخوردار است. در پیشگیری اجتماعی تأکید اصلی بر نوجوانان و جوانان است چرا که این گروه، پذیرندگان اصلی روند جامعه پذیری هستند و بنابراین کنگره ها با درک این مهم از همان ابتدا تا آخرین کنگره به این موضوع به عنوان محور اصلی توجه داشته اند (طاهایی نژاد، ۱۳۸۱: ۳۱).

ویژگی دیگر کنگره ها این است که اولین کنگره که با شرکت دانشمندان حقوق جزا و کارشناسان عدالت کیفری برپا می شود، دیدگاه های دفاع اجتماعی را به همراه دارد. براساس این دیدگاه بود که عنوان کنگره های سازمان ملل درباره بزهکاری، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین نام گرفت، زیرا هدف سازمان ملل تأمین این نظر بود که هدف تدابیر سرکوبگر از جمله زندان، باید دفاع اجتماعی باشد یعنی تدابیر پیشگیرانه باید مانع از ارتکاب اعمال خطرناک تر شوند.

توجه کنگره ها به نقش مردم در سیاست جنایی و پیشگیری از جرم زمینه ساز توسعه سیاست جنایی مشارکتی می باشد. شاید این امر حاصل شرکت نمایندگان دولت های تازه استقلال یافته در کنگره سوم به بعد است چرا که نظریه های نمایندگان این کشورها حاصل تدابیر و روش هایی از پیشگیری از جرم بود که جنبه مردمی و سنتی داشت، به همین جهت از کنگره چهارم به بعد شاهد گسترش مباحثات در زمینه سیاست جنایی مشارکتی و پیدا کردن راه حل های مردمی در مبارزه با جرم هستیم. ارائه راه حل های مردمی از طرف این نمایندگان و مثبت بودن آن در پیشگیری از جرم توجه سیاست جنایی بین المللی را به تأثیر به کار بردن روش های مذهبی و مردمی در مبارزه با بزهکاری جلب نمود.

توصیه ها و رهنمودهای کنگره های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می تواند الگو و راهنمای خوبی برای کشورها در امر مهم پیشگیری از جرم باشد. بنابراین توجه عمیق به دستاوردهای آن و برنامه ریزی بر مبنای این توصیه ها برای هر کشوری ضروری است، بخصوص کشور ما که در قانون اساسی عیناً عبارت "پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین" یعنی عنوان این کنگره ها به کار رفته است. برخی از مهم ترین رهنمودهای کنگره ها در زمینه پیشگیری از جرم از این قرار است:

-توجه به پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و جوانان؛

-اصلاح قوانین و مقررات خصوصاً قوانین جرم زا و تصویب قوانین مناسب در جهت پیشگیری و کاهش جرایم؛



- جلب مشارکت مردمی در پیشگیری از جرم و توسعه سیاست جنایی مشارکتی؛

- کاهش زمینه بروز و افزایش اشکال نوین بزهکاری از طریق جرم انگاری موضوعاتی مثل تطهیر پول و افزایش مراقبتها و کنترل جریان قاچاق و فعالیت های مجرمانه؛

- افزایش همکاری های بین المللی در مبارزه با جرایم خصوصا جرایم فراملی و تبادل اطلاعات و تجارب در زمینه پیشگیری از جرایم؛

- اختصاص بودجه و برنامه ریزی برای پیشگیری از جرم و ارزیابی اقدامات پیشگیرانه.

### نتیجه گیری

پیشگیری از بزهکاری سالیان متمادی است که به عنوان یک اصل راهبردی مورد توجه نهادهای بین المللی قرار گرفته است. تدابیری که ماهیت اقتصادی، فرهنگی و تربیتی دارند و موجب اجتناب از ورود به نهادهای سرکوبگر کیفری می شود و نتایج نامطلوبی را برای جامعه به بار می آورد. خیرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اهمیت پیشگیری از جرم یکی از اصول این قانون را به این مسئله اختصاص داده اند. به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضاییه اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین است. به نظر می رسد هدف خبرگان از درج چنین عبارتی در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به معنای بی توجهی به وظیفه سایر قوا در زمینه پیشگیری از جرم نیست و بر این امر واقف بوده اند که با توجه به ماهیت تدابیر پیشگیرانه اجرایی ساختن این اصل از توان قوه قضاییه خارج است. در غیر این صورت هیچ گاه در بخش حقوق ملت مبادرت به درج اصولی در راستای پیشبرد اهداف پیشگیری غیر کیفری نمی کردند.

امروزه با توجه به افزایش آمار جرایم و استفاده از شیوه های نوین بزهکاری و عدم کارآیی واکنش های کیفری ضرورت به کارگیری اقدامات پیشگیرانه غیر کیفری در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو کارکرد پیشگیری اجتماعی که از جمله پیشگیری های غیر کیفری به شمار می رود در بسیاری از جوامع با موفقیت همراه بوده است. این شیوه که مبارزه با علت به جای معلول را توجیه می کند تلاش دارد تا انسان در جایگاه و منزلت واقعی خود قرار گیرد و از انحرافات؛ کژی ها و جرایم فاصله بگیرد. باید عزت نفس را در درون انسان ها نهادینه کرد تا آمار بزهکاری کاهش یابد.

هرچند قوه قضاییه را مسئول پیشگیری اجتماعی از جرم بدانیم ولیکن همکاری و هماهنگی سایر قوا اعم از مجریه و مقننه و سایر بخش ها برای نیل به این منظور و تسریع در دستیابی به اهداف لازم و ضروری به نظر می رسد. همچنین

در این فرآیند به این موضوع و اصل کلی پی خواهیم برد که پیشگیری اجتماعی قطعا و مسلما مفیدتر و بهتر از پیشگیری کیفری و هزینه های بعدی ارتکاب جرم و تعقیب مجرم و تعیین مجازات است.

قوه قضاییه در این مسیر پرفراز و نشیب علاوه بر نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده و متخصص باید آموزش و مشاوره حقوقی تخصصی را در سرلوح برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم قرار دهد و فارغ از بحث های آکادمیک و قضایی و بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی موضوع قطعا بایستی جامعه هدف را به سوی کودکان و نوجوانان و خانواده و مدرسه و مراکز پیش دانشگاهی سوق دهد و برنامه ریزی طویل المدت و منطبق بر اصول و چارچوب های قانونی و بهره مندی از توان جرم شناسان و حقوقدانان و علماء و اساتید دانشگاه، و کلای دادگستری و قضات فرهیخته و سایر حقوقدانان امری اجتناب ناپذیر است.

بدیهی است با استفاده از تجارب سایر کشورها و توصیه های سازمان ملل و تطبیق آن با وضعیت فرهنگی و اجتماعی کشور بهتر می توان به یک برنامه مناسب پیشگیری از جرم دست یافت و به خواسته قانون اساسی در این زمینه جامه عمل پوشاند.

## منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، ج ۱، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان.
- ۲- اشرفی، محمود؛ دهقان، اعظم (۱۳۸۲)، بزه دیدگان و خانواده، فصلنامه بصیرت، شماره ۳۰-۳۱، صص ۲۴۱-۲۶۵.
- ۳- پرادل، ژان (۱۳۹۴)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت.

- ۴- خواجه نوری، یاسمن؛ لکی، زینب (۱۳۹۵)، رویکرد اسناد بین المللی ویژه کودکان و نوجوانان به پیشگیری از جرم، دائره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان، صص ۷۷۷-۷۹۵.
- ۵- دانش، تاج زمان (۱۳۷۴)، اطفال و جوانان بزهکار، تهران، انتشارات رسا.
- ۶- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)، رهیافتی نو به بنیان های نظری پیشگیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹، صص ۱۲۳-۱۶۸.
- ۷- علیرضا طاهایی نژاد (۱۳۸۱)، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- عالمی، زهرا (۱۳۷۵)، سیاست جنایی و گرایش پیشگیری به آن در سازمان ملل متحد، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- ۹- کاری یو، روبر (۱۳۸۱)، مداخله روان شناختی، اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶، صص ۲۶۷-۳۰۴.
- ۱۰- گراهام، جان (۱۳۸۳)، تأثیر مداخله های زود هنگام روان شناختی- اجتماعی زودرس در پیشگیری از بزهکاری، ترجمه یاسمن خواجه نوری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹، صص ۳۰۷-۳۲۹.
- ۱۱- گسن، ریموند (۱۳۷۰)، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ نخست، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ج ۴، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- ۱۳- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵)، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، صص ۲۸۹-۳۵۵.
- ۱۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵-۲۶، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- ۱۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، تقریرات درس جرم شناسی، دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، نیم سال اول ۸۰-۱۳۷۹.

- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیباچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۸- نوربها، رضا (۱۳۸۶)، زمینه جرم شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۹- والش، آنتونی؛ بیور، کوین. ام (۱۳۹۶)، جرم شناسی زیستی-اجتماعی، ترجمه مریم مهذب، تهران، انتشارات میزان.
- ۲۰- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، انتشارات میزان.
- ۲۱- هوارد، جان (۱۳۸۳)، پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، صص ۱۳۱-۱۵۹.

22-Crawford, Adam (2009), Prevention Policies in Comparative Perspective. Willan Publishing.

23-Crohen, M.D & Messi, J. L (1980), Preventive Social Controls and Delinquent Behaviors, Journal of Sociology, France.

24-Geason, Susan & Wilson, Paul R (1988), Crime Prevention (Theory and Practice), Australian Institute of Criminology Publication.

25-Hughes, Gordon (1998), Understanding Crime Prevention. Open University Press. Buckingham, Philadelphia.

26-Lab, Steven P (2019), Crime Prevention: Approaches, Practices and Evaluations, Routledge Publishing.

27- Siegel, Larry J (2011), Criminology. Wadsworth Publishing.

## Basics of Social Prevention in the Constitution of the Islamic Republic of Iran

L. Akefi <sup>1</sup>-A. Iravanian <sup>2</sup>-A. Paknahad <sup>3</sup>

### Abstract

Crime prevention is one of the main strategies in criminal policy which has been always paid attention for the purpose of controlling the criminal activity. The significance of this strategy is so considerable that the prevention of crime has been officially recognized beyond the Acts of Parliament i.e. constitutional law. Economic, social and cultural roots cause the emersion of the crime problem which the social prevention method seeks to identify and neutralize. This method is one of the best and most effective methods. Because fighting the cause is always better and more effective than fighting the effect. Social crime prevention is a strategy that in its current, simultaneously, with the recognition the basic social, economic and cultural rights of the citizen, prevention programs are enacted. The occurrence of prevention has requirements. Providing the basic rights such the right to engage in work, the right to adequate housing, the right to social security, the right to education and etc. are of these requirements. This article investigates the issue of social prevention of crime and its context in the constitution of the Islamic Republic of Iran using descriptive-analytical method.

**Key words:** Social Prevention, The Constitution of the Islamic Republic of Iran, Crime, Community- Oriented Prevention, Growth –Oriented Prevention.

---

1-Ph. D student of criminal Law, Department of law, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz, Iran.

2-Assistant professor of law group, Islamic Azad University. Shiraz Branch, Shiraz, Iran. (Corresponding Author).

3-Assistant professor of law group, Islamic Azad University. Shiraz Branch, Shiraz, Iran.